

۱ علت نام‌گذاری این عالم به «طبیعت» از نظر ابن‌سینا چه بوده است؟ توضیح دهید.

۲ فارابی برای بیان مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، از چه تشبیهی استفاده می‌کند؟ توضیح دهید.

۳ از نظر فلاسفهٔ مسلمان مرتبهٔ قبل از عقل بالملکه، چه ویژگی‌هایی دارد؟

۴ جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید.
از نظر فارابی و ابن‌سینا، اولین مخلوق خدا، است که موجودی کاملاً است.

۵ مخالفت با عقل در جهان اسلام به دو شکل صورت گرفت، آن‌ها را بنویسید.

۶ از نظر فیلسوفان مسلمان، تمام ادراک‌ها و دانش‌های انسان به کمک کدام‌یک از عقول عالم عقل حاصل می‌شود؟ شرح دهید.

۷ به چه دلیل برخی جریان‌های فکری در جهان اسلام، در عین پذیرش عقل، دایرهٔ اعتبار و کارآمدی آن را محدود می‌کردند؟ توضیح دهید.

۸ از نظر فیلسوفان مسلمان، عالی‌ترین مرتبهٔ شهود چه نام دارد و مختص چه کسانی است؟

۹ دلیل مخالفت برخی جریان‌های فکری در عالم اسلام با فلسفه و منطق چه بود؟

۱۰ از نظر فیلسوفان مسلمان، عقل در کدام مرحله آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند؟
(۱) عقل بالملکه
(۲) عقل بالقوه

۱۱ جای خالی را با کلمهٔ مناسب کامل کنید.
از نظر فیلسوفان مسلمان، عقول، فیض خداوند را به می‌رسانند.

۱۲ دو شکل مخالفت با عقل در جهان اسلام را بنویسید.

۱۳ تعیین کنید عبارت زیر صحیح است یا غلط؟
- حکمای یونان باستان خدای جهان آفرین را «مزدا» می‌نامیدند.

۱۴ ضمن تعریف «عقل بِالْمَلَكَةِ» و «عقل بِالْمُسْتَفَادِ» تفاوت آن‌ها را توضیح دهید.

۱۵ از نظر فلاسفهٔ مسلمان علاوه بر استدلال عقلی، دو روش دیگری که ما را به حقیقت می‌رسانند، چیست؟

۱۶ از نظر فیلسوفان مسلمان، نام دیگر «عقل هیولانی» چیست؟
(۱) عقل بِالْفِعْلِ (۲) عقل بِالْقُوَّةِ

۱۷ از نظر فارابی، مقام و منزلت عقل فَعَال نسبت به انسان مانند کدام گزینه است؟
(۱) آفتاب به چشم (۲) آب به حیات جسمانی

۱۸ یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، به صورت مخالفت با فلسفه بود، پاسخ فلاسفه به این مخالفان چه بود؟ توضیح دهید.

۱۹ جای خالی را با کلمه مناسب پُر کنید.
- از نظر فلاسفهٔ مسلمان، «استدلال عقلی»، «شهود» و «.....»، هر سه ما را به حقیقت واحد می‌رسانند.

۲۰ جای خالی را با کلمه مناسب پُر کنید.
- مرحله‌ای را که در آن، عقل هیچ ادراک عقلی ندارد؛ اما استعداد درک معقولات را دارد، عقل می‌نامند.

۲۱ از نظر ابن‌سینا و فارابی، اولین مخلوق خداوند چه نام دارد و دارای چه ویژگی است؟

۲۲ تفاوت «عقل هیولانی» و «عقل بالفعل» را توضیح دهید.

۲۳ با توجه به نظر فیلسوفان مسلمان درباره‌ی «عقل فَعَال» به دو سؤال زیر پاسخ دهید.
الف) وظیفه‌ی آن چیست؟
ب) مقام آن نسبت به انسان مانند چه چیز است؟

۲۴ یکی از اشکال مخالف با عقل در جهان اسلام، مخالفت با فلسفه بود، دلیل این مخالفان چه بود؟

۲۵ وظیفه‌ی عقل فَعَال چیست؟

۲۶ جاهای خالی زیر را پر کنید.
الف) انسانی بعد از اتمام همه‌ی اندام به جنین داده می‌شود.
ب) ابن‌سینا درباره تفسیری فراتر از دیگر فلاسفه دارد.
ج) ابن‌سینا مانند برای موجود مجرد درون ما تعبیری آماده کرده است.

۲۷ دو مورد از ویژگی‌های رئیس مدینه‌ی فاضله را از نظر فارابی بنویسید و بیان کنید که این ویژگی‌ها در چه کسانی وجود دارد؟

۲۸ در فلسفهٔ اسلامی وظیفه‌ی «عقل فعال» چیست و مقام آن نسبت به انسان مانند چیست؟

فیلسوفان مسلمان به کسانی که با فلسفه به دلیل یونانی بودن و عدم سازگاری آن با عقاید اسلامی مخالفت می‌کنند، چه پاسخی می‌دهند؟ توضیح دهید.

تفاوت روش کلامی و فلسفه مشاء را توضیح دهید.

به چه دلیل معتزله کرامات اولیا را انکار می‌کردند؟

نظر متکلمان در مورد «رابطه‌ی عقل و دین» چیست؟

تشابه و تفاوت روش متکلمان و روش فلاسفه‌ی مشائی چیست؟

چرا حکما یا فلاسفه در استدلال‌های خود از «حُسن و قُبْح» استفاده نمی‌کردند؟

یک مورد از مواردی را که معتزله انکار می‌کردند، بنویسید.

فیلسوفان را عالی‌ترین مرتبه‌ی شهود می‌دانند.

ابن تیمیّه، که فرد شاخصی در این جریان است، می‌گوید نه «برهان» و نه «تمثیل»، در الهیات و مابعدالطبیعه قابل استفاده نیستند؛ زیرا تمثیل حجتی است که در آن، حکمی را برای چیزی از راه شباهت آن با چیز دیگر معلوم می‌کنند در حالی که خداوند شبیه و نظیر ندارد. در قیاس برهانی نیز کلیت کبری یک شرط اساسی است و باید به طور مساوی شامل همه‌ی افراد شود؛ در حالی که قرار گرفتن خداوند با تعدادی از افراد به طور مساوی محال است؛ مثلاً وقتی در صغرای برهان می‌گوییم «این جهان منظم است» و در کبرای آن می‌گوییم «هر منظمی یک نظم‌دهنده می‌خواهد»، این قضیه از نظر برهان هم شامل انسان می‌شود و هم خدا و خدا شبیه و هم‌ردیف انسان قرار گرفته است؛ در حالی که خدا شبیه و هم‌ردیف انسان نیست و بنابراین، نمی‌توان از برهان برای اثبات این قبیل امور استفاده کرد. بررسی: نظر شما در این باره چیست؟ آیا در برهان، هم‌ردیفی میان خدا و مخلوق اتفاق می‌افتد؟ درباره‌ی تمثیل چه می‌گویید؟ آیا فلاسفه در استدلال‌های خود از تمثیل استفاده می‌کنند؟

۱ اجزای این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می‌باشد و خود این عالم نیز به عنوان یک کل، طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است. (ص ۸۰ و ۸۱)

۲ مانند آفتاب است نسبت به چشم همانطور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقل آدمی می‌رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود. (ص ۶۳)

۳ مرحله‌ای است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. (ص ۶۴)

۴ عقل اول - روحانی / غیرمادی (ص ۶۳)

۵ ۱) محدود کردن دایره و اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن
۲) مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی (ص ۶۰)

۶ عقل فعال این عقل عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است. یعنی به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می‌فهمد. البته این مدرسانی در باطن وجود انسان صورت می‌گیرد و برای خود انسان محسوس نیست. (ص ۶۳)

۷ این جریان‌ها می‌کوشیدند نشان دهند که برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتکب خطا می‌شوند و به دین آسیب می‌رسانند. (ص ۶۰)

۸ وحی - پیامبران (ص ۶۶)

۹ فلسفه و منطق را دستاوردی یونانی و غیراسلامی می‌دانستند. (ص ۶۲)

۱۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. (ص ۶۴)

۱۱ عوالم دیگر (ص ۶۳)

۱۲ ۱- تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن
۲- مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی (ص ۶۰)
(بیان دو شکل مخالفت با عقل به صورت تشریحی نیز پذیرفته است.)

۱۳ غلط (ص ۵۹)

۱۴ عقل بالملکه: در این مرحله عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند مثلاً می‌داند که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد. و آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند.

عقل بالمستفاد: در این مرحله انسان به طوری بر دانش‌هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می‌تواند استفاده نماید. مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می‌کند. (ص ۶۴ و ۶۵)

۱۵ شهود - وحی (ص ۶۶)

۱۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (ص ۶۴)

۱۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. (ص ۶۳)

۱۸ فیلسوفان در پاسخ این مخالفان می‌گویند اولاً بسیاری از نظرات سقراط و افلاطون و ارسطو با عقاید اسلامی (آموزه‌های اسلامی) سازگار است و ثانیاً فلسفه دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد آن شود. (ص ۶۱ و ۶۲)

۱۹ وحی (ص ۶۵ و ۶۶)

۲۰ هیولانی (ص ۶۴)

۲۱ عقل اول - موجودی روحانی و غیرمادی است (ص ۶۲)

۲۲ اولین مرحله‌ی عقل، «عقل هیولانی» نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد؛ اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد. مانند انسانی که تازه متولد شده است. سومین مرحله، «عقل بالفعل» نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است. (ص ۶۴)

۲۳ الف) عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها (یا: واسطه‌ی فیض هستی میان مراتب بالاتر از خود و عالم طبیعت و انسان) (ص ۶۲)
ب) آفتاب نسبت به چشم (ص ۶۳)

۲۴ آن‌ها می‌گفتند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده‌ی عقاید کسانی مانند سقراط، افلاطون و ارسطو است و این عقاید با عقاید اسلامی ناسازگار است. (ص ۶۱)

۲۵ فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها (ص ۶۲)

۲۶ الف) روح انسانی بعد از اتمام همه‌ی اندام به جنین داده می‌شود.
ب) ابن‌سینا درباره روح تفسیری فراتر از دیگر فلاسفه دارد.
ج) ابن‌سینا مانند عارفان برای موجود مجرد درون ما تعبیری آماده کرده است.

۲۷ روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد به عالی‌ترین درجات تفکر و تعقل رسیده باشد. در پیامبر و امامان (ص ۷۲)

۲۸ این عقل عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است. نسبت آن مانند آفتاب است به چشم. (ص ۵۹)

۲۹ در پاسخ به این ایراد، فلاسفه می‌گویند جدا از این‌که بسیاری از آراء فیلسوفان یونان با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژاد می‌تواند وارد این شاخه از دانش بشود. (ص ۵۸)

۳۰ مبانی و مقدمات متکلمان با فلاسفه مشاء متفاوت است. متکلمان غالباً استدلال خود را براساس حسن و قبح عقلی استوار می‌کنند. اما حکما حسن و قبح را مربوط به زندگی انسان می‌دانند و درباره خداوند و جهان هستی با این معیارها قضاوت نمی‌کنند. (ص ۱۱۴)

۳۱ اگر کسی جز پیامبر کار خارق‌العاده انجام دهد با معجزه انبیا اشتباه می‌شود. (ص ۸۵)

عقل را در خدمت شریعت می‌دانند. یعنی وظیفه و توانایی عقل تنها در دفاع از حقانیت دین است. (ص ۱۲۳) ۳۲

تشابه: هر دو صرفاً بر استدلال عقلی تکیه می‌کنند. ۳۳

تفاوت: اصول و مبادی آن‌ها (ص ۱۱۴)

فلاسفه حسن و قبح را مربوط به زندگی انسان می‌دانند / درباره خداوند با معیار حسن و قبح قضاوت نمی‌کنند. (ص ۱۱۵) ۳۴

کرام الکاتبین / کرامات اولیا / معراج / صراط / میزان (ذکر یک مورد کافی است). (ص ۸۵) ۳۵

فیلسوفان وحی را عالی‌ترین مرتبه‌ی شهود می‌دانند. ۳۶

۳۷